

عوامل موثر بر بازخورد تیزهوش

ناصرالدین کاظمی حقیقی

چکیده

در این مقاله، نقش تحول، فرهنگ و جنسیت به عنوان اساسی ترین عوامل مؤثر بر بازخورد تیزهوش، مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحول، در جنبه‌های شناختی، اخلاقی و عاطفی بازخورد تیزهوش، تأثیر می‌گذارد و فرهنگ از طریق خانواده، بازخورد وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنسیت می‌تواند ارزشها و علائق، تصور از خود، بازخورد های تحصیلی و خط مشی تیزهوش را شکل دهد.

در شکل گیری بازخورد تیزهوش، عوامل گوناگونی تأثیر دارند اما در این میان، تحول، فرهنگ و جنسیت، در تکوین بازخورد تیزهوش از اهمیت فوق‌العاده و شایانی برخوردارند.

در این گفتار کوتاه، به تأثیر عامل بسیار مهم «تحول» در شکل گیری بازخورد تیزهوش و نیز نقش «فرهنگ»، اشاره مؤکد می‌شود. علاوه بر آن شکل گیری بازخورد در میان دختران و پسران تیزهوش مورد بررسی قرار می‌گیرد. باید متذکر شد که تحول از جنبه‌های شناختی، اخلاقی و عاطفی اساسی ترین عامل شکل دهنده بازخورد (به ویژه در میان تیزهوشان) است.

نقش تحول

الف - تحول شناختی - «کارتر و اورمرود»^۱ در مطالعه‌ای تطبیقی میان کودکان عقب مانده ذهنی، عادی و تیزهوش نشان دادند که دیدگاه نظام شناختی پیازه درباره تحول مرحله‌ای، صدق می‌کند. تیزهوشان در این پژوهش دارای تحول متفاوتی بودند. محققین مزبور در تبیین میزان پیشرفت تیزهوشان در طی مراحل تحول، اظهار می‌دارند که ممکن است تیزهوشان مراحل را سریعتر بیمایند.^۲

این مطالعه وجود مرحله و سیر سریع تحول را در میان تیزهوشان مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین تحقیق «مک اوین»^۳ و «کراس»^۴ (۱۹۸۲) بر روی ۲۶۰ تیزهوش غیر تفکیکی و ۱۱۵ تیزهوش و مستعد در پایه‌های ۸ تا ۱۰ تحصیلی، آشکار می‌سازد که دانش آموزان مسن تر، احساس گمنامی کمتری بروز می‌دهند و احساس «حرمت خود» آنها در مقایسه با دانش آموزان خردسال تر، بیشتر است. محققین نتیجه گیری می‌کنند که سن، در مقایسه با سایر عوامل، مشخصه مهمتری در رشد از جنبه روانشناختی محسوب می‌گردد.

معهد «آگاسی»^{۳۰} (۱۹۸۵) استدلال می‌کند که گاهی اوقات، برخی نوابغ، رشد تأخیر یافته‌ای را از خود بروزمی‌دهند. «کارتر»^{۳۳} (۱۹۸۵) رابطه میان مراحل تحول و تیزهوشی را بررسی نمود. در مطالعه او ۶۷۳ کودک ۱۰ تا ۱۶ ساله در یک برنامه غنی سازی تابستانی شرکت جسته بودند که بر طبق نمرات یک آزمون مربوط به توانایی‌های ذهنی، به سه گروه تقسیم شدند:

الف - ۱۸۰ تیزهوش (با هوشبهر بالای ۱۳۰)

ب - ۳۲۵ فرد هوشمند (با هوشبهر ۱۱۵-۱۲۹)

ج - ۱۶۸ فرد عادی (هوشبهر ۹۰-۱۱۴)

کلیه کودکان در زمینه اندازه گیری تحول شناختی از دیدگاه «پیاژه»، تحت اجرای نوعی آزمون مداد - کاغذی قرار گرفتند. نتایج مطالعه نشان داد که افراد تیزهوش و افراد هوشمند در کلیه سطوح سنی نسبت به افراد عادی نمرات بیشتری کسب

کردند. تیزهوشان در مقایسه با افراد هوشمند در سنین پایین دارای عملکرد بهتری بودند. اما در طی دوران بلوغ تفاوتی بدست نیامد. در مجموع، افراد تیزهوش تقریباً ۲ سال و افراد هوشمند ۱ سال پیش افتاده‌تر از افراد عادی بودند. اما این وضعیت در طی مراحل سنی، ثابت نبود.

«کلمن» و «فالتز»^{۳۶} (۱۹۸۳) به بررسی «تصور از خود»^{۳۷} کودکان تیزهوش پرداختند. آنها ۵۳ دختر و ۴۶ پسر پایه چهارم تحصیلی (با میانگین هوشبهر ۱۳۴/۶۳) را با آزمون «تصور از خود» متعلق به «پیرز - هاریس»^۲ (PHC) در ۴ نوبت یعنی پاییز و بهار سالهای ۸۱ - ۸۰ و ۸۲ - ۸۱ مطالعه نمودند.

یافته‌ها نشان دادند که قضاوت کودکان تیزهوش در مورد توانایی‌های خودشان، در ارتباط با افرادی است که مستقیماً در محیط آنها وجود دارند و این قضاوت تحت تأثیر شباهتها و همانندیهای میان افراد قرار می‌گیرد. بدین معنی که قضاوت کودکان تیزهوش از آن جهت که دیگران نیز شبیه آنها بودند، انجام می‌گرفت؛ بطوری که این برداشتها، پایه‌هایی برای رقابتهای اجتماعی به وجود می‌آورد.

محققین نتیجه‌گیری می‌کنند که تفکیک کودکان تیزهوش حتی به طور جزئی ممکن است پیامدهایی در نزول «تصور از خود» در برخی کودکان دربرداشته باشد.

این بررسی «دیگر پیروی اخلاقی» بر طبق نظریه شناختی را تأیید می‌کند، بطوری که قضاوتهای یک تیزهوش در نیمدوره دوم دوره دوم، تحت تأثیر ویژگیهای محیطی است.

«کابلن»^{۴۱} (۱۹۸۳) «تصور از خود» جوانان تیزهوش را بررسی نمود. او معتقد است که جوان تیزهوش بدون یک «تصور از خود» صحیح و واقع بینانه، در بعد هیجانی و بهره‌برداری از استعداد‌های خویش در طرق سازنده و رضایت بخش، دچار مسائل جدی می‌شود.

جوانان تیزهوش غالباً از نقش تیزهوشی در زندگی، درک درستی ندارند. توقعات بسیار غیر واقعی آنان برای پیشرفت، ابهاماتی در اهداف و مقاصد فعالیت‌های آنان بوجود می‌آورد. آنها ارزش فوق‌العاده‌ای به ابعاد شناختی قائل می‌شوند که در نتیجه گاهی تیزهوشی را بعنوان نوعی استحقاق در جامعه تلقی می‌کنند. بنابراین جوانان تیزهوش در برداشت واقعی و درست از «تصور از خود»، نیاز به کمک دارند تا انتظارات و توقعات صحیحی از خویش بدست آورده توانمندیهای هوشی خود را در جهت مناسب و شایسته بکار گیرند.

«میلر» و «ریچی»^{۴۴} (۱۹۸۵) در بررسی بازخوردهای ۸۲ کودک تیزهوش در پایه‌های چهارم تا هفتم در مورد کودکان نیازمند کمک‌های ویژه با استفاده از یک مقیاس ویژه، به تنوع بازخوردها در پایه‌های مختلف تحصیلی برخوردند. کودکان مزبور، بازخورد‌های مثبتی در این مورد داشتند و نمرات میانگین آنها با یافته‌های تحقیقات گذشته، قابل مقایسه بود.

«بیکل»^{۳۲} (۱۹۸۵) مفهوم «وارونگی زمان - سرعت» را در میان ۳۸ تیزهوش و ۳۸ غیر تیزهوش ۱۰ تا ۱۲ ساله بررسی نمود. این مفهوم بیان می‌دارد که کودکان ۱۰ تا ۱۲ ساله، بتدریج شروع به درک سرعتی در یک پدیده می‌کنند که در زمانی کوتاه منقضی می‌شود.

«بیکل» در این مطالعه به هر یک از این دانش‌آموزان که در پایه‌های ۴ و ۶ تحصیلی بودند، تکالیفی مربوط به موسیقی به طور انفرادی ارائه داد. تفاوت‌هایی در پاسخ‌های گروهی آشکار شد. به طور کلی افراد تیزهوش در هر دو پایه (۴ و ۶) پاسخ‌های دقیق‌تر و متنوع‌تری در مقایسه با غیر تیزهوشان نشان دادند. معهداً در مقایسه دو پایه، نوعی همترازی تحولی در مورد درک «زمان - سرعت» از پایه ۴ تا ۶ چشم می‌خورد.

ب - تحول اخلاقی نظریه اخلاقی «کهلبرگ»^۳، موضوع مطالعات و تحقیقات فراوانی از لحاظ سازگاری‌های تربیتی قرار گرفته در برخی موارد، قابلیت کاربردی خویش را در خط مشی‌های پرورشی نشان داده است.

«کلبی»^۴ و همکارانش یک مطالعه طولانی بیست‌ساله‌ای را انجام دادند که اخیراً پایان رسیده است. تحقیق وسیع آنان نشان داد

که سطح اخلاقی، رابطه مثبتی با سن، طبقه اقتصادی، اجتماعی و تحصیلات دارد. میزان تحول اخلاقی در طفولیت و نوجوانی رابطه‌ای با هوشبهر (I.Q) ندارد. ولی بطور کلی سطح نهایی استدلال اخلاقی رابطه متوسطی را با هوش نشان می‌دهد (۰/۶۰-۰/۳۷). باید متذکر شد که افراد مورد مطالعه دارای هوشبهر ۱۰۰ تا ۱۲۰ بودند. «ویر»^۵ موفق گردید یک برنامه راهنمایی را برای تربیت اخلاقی براساس نظریه «کهلمبرگ» تدوین نماید و برخی از شواهد، گویای این است که نظریه «کهلمبرگ» در مدارس متوسطه نیز بکار گرفته شده تا سطح استدلال اخلاقی دانش‌آموزان را ارتقاء بخشد.

علیرغم حمایت وسیع از تربیت اخلاقی تیزهوشان به عنوان رهبران آینده، مدارک تجربی کمی در دست است که تربیت اخلاقی تیزهوش می‌تواند قضاوت یا رفتار وی را اصلاح کرده بهبود بخشد.

به زعم «اسمیت»^۶ پرورش اخلاقی، مبتنی بر برخی فرضیات است که هنوز به تأیید نرسیده‌اند:

الف - رشد اخلاقی دانش‌آموزان تیزهوش از همسالان غیر تیزهوش آنها متفاوت است.

ب - رشد اخلاقی دانش‌آموزان تیزهوش در مقایسه با همسالان عادی، پیش‌رس‌تر است.

ج - معلمان ویژه تیزهوشان از لحاظ شناختی و اخلاقی، توانایی برخورد مناسب با قضاوت‌های اخلاقی اساسی را دارا می‌باشند.

د- رشد اخلاقی می‌تواند با تعدادی جلسات آموزشی کوتاه و موقت حاصل گردد.^۴

ج - تحول عاطفی مطالعات «ترمن»^۷، «کالینان» و «لودویک»^۸ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان تیزهوش از لحاظ سازگاری اجتماعی بر

جمعیت عادی برتری دارند، معهدا «آلمن»^۹ و «ویتنور»^{۱۰} اظهار می‌دارند که تیزهوشان از برخی مشکلات و مسائل هیجانی و اجتماعی فشارآور رنج می‌برند.

«آلمن» متذکر می‌شود که از دیدگاه مریان ویژه تیزهوش، خطاهای تربیتی ناشی از این فرض است که تیزهوشان دارای هیچ

نوع مسائل و مشکلات اجتماعی و هیجانی نیستند. ولی در حقیقت، کنش شناختی فوق‌العاده، توانایی درک مسائل بزرگسالان، تفکر عالی در مباحث ارزشی، رشد سریع نسبت به همسالان و آگاهی از تفاوت خویش نسبت به افراد عادی که از مشخصات بازر تیزهوشان محسوب می‌شوند، می‌توانند منجر به سخت‌گیری و بلند همتی در امور، محدودیت‌های اجتماعی و سایر عوامل ایجاد کننده فشار شوند.

«پاول» و «منستر»^{۱۱} مطرح می‌سازند که تیزهوشان نوجوان، به ویژه نسبت به مسائلی اجتماعی و هیجانی مستعد می‌باشند که به

ویژگی‌هایی نظیر تحمل و بردباری، تأکید بر موفقیت، رشد نامتعادل، احساس بیگانگی نسبت به همسالان، حساسیت در روابطی که همسالان عادی در آن شرکت ندارند و گرایش به رقابت با مراجع قدرتمند بزرگسال، مرتبط هستند.

مریان می‌تواند با ایجاد موقعیتهای مناسب با رعایت موارد زیر به تیزهوش یاری دهند:

۱- علائق شخصی وی را پی گیرد.

۲- در مورد طریقه یادگیری خود، انتخاب انجام دهد.

۳- خلاقیت خویش را نشان دهد.

۴- در مورد عقاید خویش با دیگران ارتباط برقرار سازد.

۵- در تشریک مساعی، پذیرش مسئولیت و اتخاذ تصمیم، فعالیت ورزد.

۶- با عقاید دیگران مواجه شود.

۷- به ارزیابی و نقد خویش پردازد.^{۴۲}

فرهنگ و بازخورد تیزهوش

«فرایرسون»^{۱۲} چهار گروه از کودکان (دو نمونه تیزهوش، یکی از طبقه اجتماعی-اقتصادی بالاتر و دیگری از طبقه

اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر و دو نمونه معمولی با ویژگیهای یکسان) را مورد مطالعه قرار داد. در این مطالعه، انواع مختلفی از

آزمون‌های شخصیتی و آزمون‌های رغبت و اطلاعات خانوادگی، جمع‌آوری شد و مقایسه‌هایی نیز انجام گرفت که دیده شود آیا تفاوت‌های بین این چهار نمونه بیشتر در نتیجه توانایی آنهاست یا در نتیجه تفاوت‌های موجود در طبقه اجتماعی-اقتصادی آنها می‌باشد.

تفاوت‌های عمده‌ای که بین دو گروه تیزهوش دارای زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت، پیدا شد به بعد علائق و بازخوردها مربوط می‌شد. بین گروه‌ها، هیچ تفاوت عمده‌ای در مورد ویژگی‌های جسمی وجود نداشت و در مورد آزمون‌های شخصیتی تفاوت‌های بسیار کمی بدست آمد.

تیزهوشان طبقه بالاتر برای مطالعه در ساعات فراغت، وقت بسیار بیشتری را صرف می‌کردند و علاقه بسیار بیشتری نشان می‌دادند، درحالی‌که تیزهوشان طبقه پایین‌تر ظاهراً بیشتر به فعالیت‌ها و ورزش‌های رقابت آمیز گروهی علاقمند بودند. دومین سؤال عمده این بود:

آیا تفاوت‌های بین تیزهوشان طبقه پایین‌تر و دانش‌آموزان معمولی طبقه پایین‌تر مانند تفاوت‌هایی است که بین تیزهوشان طبقه متوسط و دانش‌آموزان معمولی همان طبقه یافت شده است؟

برخی از نتایج بدست آمده حاکی از آن است که تیزهوشان طبقه پایین‌تر گرایش بیشتری دارند که به نواختن آلات موسیقی بپردازند، به مشاغل عالی رتبه دست یابند و بخش خبری روزنامه‌ها را مطالعه کنند.

«کارنز»^{۱۳} و همکارانش طی یک مطالعه مشابه دریافتند که کودکان تیزهوش خانواده‌های طبقه پایین‌تر، کشمکش و تنش بیشتری در خانواده‌هایشان دارند و عملکرد آنها نیز به طور قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از سطوح تحصیلی پیش‌بینی شده در مورد آنهاست.

«استرادیچ»^{۱۴} در بررسی ارزش‌های فرهنگی و نقش آن در موفقیت افراد، به این نتیجه رسید که فضاهای فرهنگی با ویژگی‌های زیر افراد موفق بیشتری را پرورش می‌دهند:

۱- اعتقاد به اینکه جهان دارای نظم است و تابع اصول عقلانی می‌باشد.

۲- اشتیاق به ترک خانه برای یافتن راه خود در زندگی.

۳- ترجیح اعتبار فردی به اعتبار قومی در مورد کارهای انجام شده.

۴- اعتقاد به اینکه انسان می‌تواند از طریق تعلیم و تربیت، پیشرفت حاصل کند و اینکه نباید به آسانی تسلیم سرنوشت شود.

۵- تساوی بیشتر در ساخت قدرت بین مادر و پدر در خانواده.^{۲۹}

«هالینگر»^{۳۹} (۱۹۸۵) رابطه میان هویت جنسی و «حرمت خود اجتماعی»^{۱۵} را در یک دوره ۱۴ ماهه بر روی ۲۶۰ دختر تیزهوش و مستعد سال دوم و سوم متوسط بررسی نمود. نتایج تحقیق آشکار ساخت که تنوع اساسی در عضویت گروهی و طبقه‌ای در مدت مزبور ایجاد شد و نیز رابطه میان عضویت گروهی و طبقه‌ای با «حرمت خود اجتماعی»، نسبتاً استوار باقی ماند.

بازخورد پسران و دختران تیزهوش

این سؤال که تیزهوشی در میان پسران یا دختران شیوع بیشتری دارد، هنوز جواب قانع‌کننده‌ای نداشته است. بررسی یافته‌ها توسط «مایلز»^{۱۶}، «ترمز» و «تایلور»^{۱۷} نشان می‌دهد که تفاوت‌های پایداری در فراوانی جنسی، در میان تیزهوشان وجود دارد و میزان‌های جنسی، بستگی به محتوای آزمون‌هایی دارد که مورد استفاده واقع شده اند.^{۴۷}

ارزش‌ها و علائق دختران و پسران تیزهوش

تفاوت‌های جنسی در حیطه عاطفی بروز و ظهور وسیعتری در مقایسه با حوزه شناختی دارد. مردان و زنان، تفاوت قابل ملاحظه‌ای از جنبه علائق و ارزش‌های مربوط به پیشرفت و خلاقیت با یکدیگر نشان می‌دهند.

دانشجویان کالج و دانش‌آموزان دوره متوسطه از جنبه نمرات ارزشی بر مبنای «فهرست ارزشی آلپورت - ورنون - لیندزی»^{۱۸} (S.V)

تفاوت معنی داری با یکدیگر نمایان می‌سازند.

در جنبه‌های نظری، اقتصادی و سیاسی، مردان و در جنبه‌های اجتماعی، هنری و ارزشهای مذهبی، زنان نمرات عالی‌تری دارند.

در مطالعه «فاکس» و «دنهام»^{۱۹} مربوط به نظام ارزشی جوانان تیزهوش، همین نتیجه تأیید گردید. پسران تیزهوش، نمرات عالی‌تری در مقیاسهای نظری، سیاسی و اقتصادی کسب کردند و در مقیاسهای اجتماعی، هنری و مذهبی نمرات پایین‌تری بدست آوردند.

حتی هنگامی که نمونه‌های پسران و دختران تیزهوش از لحاظ استعداد کلامی و عددی و سوابق اقتصادی جور شده بود، تفاوت‌های جنسی در جنبه‌های نظری، هنری و اجتماعی همچنان در سطح معنی‌دار بالایی بدست آمد.

نظام ارزشی پسران تیزهوش تقریباً با یک نمونه عادی از دانش‌آموزان دبیرستانی شباهت داشت ولی دختران تیزهوش با نمونه عادی دختران دبیرستانی تفاوت نشان دادند. برای دختران تیزهوش، ارزش نظری، سومین رتبه نمرات را داشت در حالیکه ارزش مذهبی پنجمین بود. در نمونه عادی دختران، ارزش نظری، ششمین و ارزش مذهبی، اولین رتبه را داشت.

«وارن» و «هرست»^{۲۰}، «ساوترن» و «پلانیت»^{۲۱} و «مک کینون»^{۲۲} بدست آوردند که نمرات عالی در مقیاسهای ارزشی نظری و هنری به خلاقیت ارتباط دارد. مطالعاتی که بر روی تیزهوشان دانشگاه «جان هاپکینز»^{۲۳} انجام شد، نشان داد که برخی از پسران و تعداد کمی از دختران، عالی‌ترین نمره را در مقیاس ارزش نظری بدست آوردند و تعداد کمی از پسران یا دختران عالی‌ترین نمره را در ارزش هنری کسب نمودند. از میان ۲۴۰ دختر و ۴۱۶ پسر تیزهوش که در سال ۱۹۷۳ بر مبنای S.V. آزمون شدند، ۳۷٪ پسران و ۱۵٪ دختران، مقیاس نظری و ۱۳٪ دختران و ۵٪ پسران، مقیاس هنری را به عنوان گزینه نخست خود، انتخاب کردند. بیش از ۵۵٪ از ۱۳۵ پسر تیزهوش در ریاضی، عالیترین نمره را به ارزش نظری دادند. بنابراین علائق نظری بطرز بارزی به استعداد ریاضی بستگی دارد. پسران و دخترانی که عالیترین نمره را به مقیاس ارزش نظری دادند، عالیترین نمره میانگین را SAT.M^{۲۴} بدست آوردند.

پسرانی که دارای نظام ارزشی نظری و استعداد ریاضی عالی هستند، علائق بیشتری از پسران یا دختران مستعد اما با نمرات عالی در ابزارهای ارزشی اجتماعی نسبت به توسعه برنامه‌های آموزشی جهشی در ریاضی، ابراز می‌دارند. ارزش‌ها و علائق افتراقی، به عنوان یک عامل اساسی در تفاوت‌های جنسی در پیشرفت ریاضی در سطح توانایی عالی، بروز می‌کنند. گرچه دختران تیزهوش، رغبت بیشتری در علائق نظری مربوط به پی‌گیری علمی در مقایسه با دختران عادی، دارند اما در مقایسه با پسران تیزهوش، کمتر به جنبه‌های نظری می‌پردازند.

«فاکس»، «پاسترناک»^{۲۵} و «پایزر»^{۲۶} در مطالعه دیگری نشان دادند که پسران و دختران تیزهوش در مقایسه با افرادی که در سطح تیزهوشی پایین تری قرار دارند در علائق هوشی تفاوت دارند. در مورد پسران، به نظر نمی‌رسد که ارتباطی به تفاوتی واقعی از جنبه قالب‌ریزی نقش مردانگی داشته باشد، ولی در میان دختران، مسئله تعارض نقش جنسی، بارز است. دختران دارای علائق مردانه و زنانه، توأم می‌باشند.

احتمالاً دختران تیزهوش بیش از پسران در گزینش‌های مربوط به خط مشی زندگی، دچار تعارض می‌شوند. اولاً آنها باید در مورد «جای» کسی بودن و یا «همراه» کسی بودن تصمیم‌گیری کنند (یک نقش همسری یا مادری). ثانیاً اگر آنها یک خط مشی و سیاستی را تعقیب نمودند، باید میان نقش زنانگی پذیرفته شده، سنتی و یا یک وضعیت هوشی بالاتر (فقط مردانگی)، گزینشی انجام دهند.

دختران تیزهوش کمتر از پسران تیزهوش، در گزینش‌های شغلی، قالب ریزی سنتی را در نقش جنسی بروز می‌دهند. مثلاً دختران نسبتاً بیشتر از پسران در مقایسه با پرستاری، داوطلب فیزیکدان شدن هستند. البته موقعیت و مزایای شغلی، به آمال مربوط به خط مشی زندگی بستگی دارد. اغلب، مشاغل مربوط به زنان، دارای موقعیت و مزایای مالی کمتری از اکثر مشاغل مردانه است.

پسران و دختران تیزهوشی که از لحاظ اندازه‌های مربوط به توانایی و سوابق اقتصادی و اجتماعی همسان شده بودند، در مورد درجه بندی برداشتهای شخصی از هشت شغل، آزمون شدند. برداشت دختران تیزهوش از خودشان در مورد خط مشی‌های هم‌زنانه و هم‌مردانه، مثبت و رضایت بخش بود. در حالیکه پسران، برداشت منفی از خودشان در مورد پرستار شدن، خانه‌داری یا معلم زبان شدن داشتند. معلم مدرسه ابتدایی شدن، تا اندازه‌ای در میان پسران رضایت بخش بود. اما رتبه پایین‌تری از مشاغلی مانند ریاضیدانی، فیزیکدانی، استادی در علوم پایه و یا برنامه‌ریز کامپیوتر داشت. دخترانی که ریاضیات را بعنوان امر مفیدی برای زندگی آتی خویش می‌انگاشتند، نسبتاً بیشتر در رشته‌های مربوط و سطوح عالی ریاضی، در طی سالهای دبیرستان پیشرفت داشتند. دختران تیزهوشی که علاقه به خط مشی علمی یا ریاضی داشتند غالباً در رشته‌های اختصاصی ریاضی تأکید می‌ورزیدند و جهش آنها بیش از دخترانی بود که علائق اجتماعی و هنری داشتند. یک مطالعه بر روی ۱۶۱ دختری که عالیترین نمرات را در رشته‌های ریاضی، شیمی و یا علوم فیزیکی کسب نمودند، نشان داد که ۸۰٪ این دختران به خط مشی علمی در زندگی ابراز علاقه می‌کردند. بطور خلاصه، پسران و دختران تیزهوش بطرز معنی‌داری از جنبه علائق و ارزشها با یکدیگر تفاوت دارند. بنظر می‌رسد که این اختلافات به پیشرفت‌های متفاوت در دو جنس، در مدرسه و زندگی مربوط می‌شود.^{۴۶}

تصور از خود در میان دختران و پسران تیزهوش

مطالعات جدیدی که پیرامون «تصور از خود» در میان دختران و پسران تیزهوش انجام شد، نشان می‌دهد که تفاوت‌های بارز و معنی‌داری میان دو جنس، از لحاظ «تصور از خود» وجود دارد. «سولانو»^{۴۵} (۱۹۸۳) در بررسی «تصور از خود» و «حرمت خود» ۲۱۶ دانش‌آموز در پایه‌های ۷ و ۸ تحصیلی که در قدرت ریاضی در سه سطح فوق‌العاده تیزهوش، توانا و عادی بودند، پی برد که توانایی ریاضی، صرفاً بر روی «حرمت خود» دختران، مؤثر بوده است. «هانگ»^{۴۱} (۱۹۸۲) در مطالعه ۲۴۰ فرد تیزهوش، عادی و عقب‌مانده‌ذهنی نشان داد که پسران، نمرات بالاتری در تشخیص و ارزیابی خویش بدست می‌آورند و در «خود پندیری»^{۲۸} بر دختران و گروه‌های عادی و عقب‌مانده برتری نشان می‌دهند. «جاوین» و «کارنر»^{۳۴} (۱۹۸۴) برداشتهای بازخوردهای ۱۲۲ تیزهوش را در پایه‌های ۴ تا ۷ تحصیلی نسبت به نقش‌های رهبری از طریق فهرست مربوط، ارزیابی نمودند. در اولین فهرست، نقطه نظر تیزهوشان درباره رهبر مطلوب مورد بررسی قرار گرفت و دومین فهرست از آنها می‌خواست که به خویش، بعنوان رهبر نمره دهند. نتایج نشان دادند که هیچ تفاوت معنی‌داری میان پسران و دختران در ارزیابی خویش به عنوان فرد رهبر و نیز ویژگیهای رهبر مطلوب وجود نداشت.

بازخوردهای تحصیلی در میان پسران و دختران تیزهوش

تحقیقاتی که پیرامون رابطه میان جنسیت و بازخوردهای تحصیلی انجام گردیده، حاکی از وجود برخی تفاوت‌های معتبر است. «هارتی»^{۳۸} (۱۹۸۴) اختلافات میان ۲۵ تیزهوش و غیرتیزهوش پایه پنجم را از لحاظ بازخوردهای مربوط به علم مورد مطالعه قرار داد. هر دو گروه از لحاظ نژاد، جنس و طبقه اقتصادی-اجتماعی همسان شده بود. نتایج تحقیق نشان داد که افراد مذکر تقریباً بازخوردهای مثبت‌تری نسبت به علم داشتند. تیزهوشان مؤنث در فعالیت‌های سرگرم‌کننده علمی، پیشی جسته بودند و تیزهوشان مذکر از لحاظ انجام فعالیت‌ها و تجارب علمی در اوقات فراغت، برتری داشتند.

«کلی» و «کولانجلو»^{۳۵} (۱۹۸۴) رابطه توانایی تحصیلی را با «تصور از خود تحصیلی و اجتماعی» بررسی کردند. ۱۴۵ پسر و ۱۲۱ دختر دانش‌آموز در پایه‌های تحصیلی ۹-۷ بر حسب سطح توانایی، تقسیم‌بندی شدند. خود دانش‌آموزان، والدین، معلمین و همسالان، دانش‌آموزان مزبور را در سه سطح تیزهوش، نیازهای یادگیری ویژه و عادی ارزیابی نمودند. دانش‌آموزان، مقیاس تصور از خود تحصیلی را تکمیل کردند. نتایج مشخص ساخت که پسران با نیازهای یادگیری ویژه، نمرات پایین‌تری از سایر پسران در کلیه مقیاس‌ها کسب کردند.

«آندرسون» و همکارانش^{۳۱} (۱۹۸۵) بازخوردهای مربوط به خواندن و مطالعه و عادات مربوط به آن را در میان ۱۳۵ پسر تیزهوش و ۱۴۰ دختر تیزهوش در پایه‌های تحصیلی ۱۲ تا ۱۴ تحقیق کردند. نتایج نشان می‌دهد که دختران تیزهوش تقریباً بازخوردهای مثبت بیشتری نسبت به مطالعه داشتند. در واقع از دیدگاه آنان خواندن و مطالعه یک سرگرمی بود و این نکته در مورد دختران بیش از پسران شیوع داشت.

خط مشی دختران و پسران تیزهوش

«دالنی»^{۳۷} (۱۹۸۵)، دیدگاه‌های تیزهوشان را نسبت به مسائل خانوادگی و شغلی بررسی نمود. ۲۲۰ دانش‌آموز تیزهوش دبیرستانی در پایه‌های ۷ تا ۱۲ تحصیلی (سنین ۱۱ تا ۱۸) در این مطالعه شرکت جستند. نتایج مشخص می‌کنند که پسران و دختران دارای خط مشی مشابه و دیدگاه‌های خانوادگی یکسان بودند. غالب دانش‌آموزان برای داشتن یک خط مشی مشخص در زندگی، ازدواج و صاحب فرزند شدن، نقشه می‌ریختند. در حالیکه هیچ تفاوت معنی‌داری در میان پسران و دختران از لحاظ کمیت و تعداد تعارض بالقوه در مسائل شغلی و محیط خانوادگی وجود نداشت، بین برداشتهای دختران و پسران (۱۸-۱۶ ساله) و نوعی تعارض نسبت به همسران، تفاوت معنی‌داری معتبری به دست آمد. به عبارت دیگر اغلب دختران گزارش دادند که هیچ تعارضی نسبت به همسرانشان در مورد مسائل شغلی و محیط خانوادگی، احساس نمی‌کنند. اما نیمی از پسران در مورد دیدگاه‌هایشان نسبت به این تعارض (بین شغل و محیط خانوادگی) برای همسرانشان اطمینان نداشتند. علاوه بر آن، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهند که بازخوردهای پسران، مطابق گروه سنی و نقش خانوادگی ویژه که مورد بررسی قرار گرفته پراکنده‌گی دارد.

استنتاج

- نتایج مطالعات و تحقیقات بیان شده را می‌توان اینگونه جمع‌بندی نمود.
- ۱- تیزهوشان، مراحل «تحول شناختی» را سریعتر می‌پیمایند.
 - ۲- «سن»، شاخص و نشانه رشد روان شناختی است.
 - ۳- «حرمت خود» (عزت نفس) تیزهوشان در سنین ۱۴ تا ۱۷، افزایش می‌یابد.
 - ۴- در زندگی روانی برخی نوابغ، تأخیر یافتگی‌هایی ممکن است مشهود باشد.
 - ۵- «بلوغ» می‌تواند تأثیر هوش را بر تحول شناختی، تحت الشعاع قرار داده تعدیل سازد.
 - ۶- «تصور از خود» (ارزیابی و اعتقادی که فرد نسبت به شخصیت خود دارد) در میان استعداد‌های درخشان ۱۲ تا ۱۴ ساله، تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی قرار می‌گیرد.
 - ۷- تیزهوشان از برخی مسائل و معضلات تحولی که مخصوص آنهاست، رنج می‌برند.
 - ۸- «بازخورد» (مجموعه نگرش، احساس و موضع‌گیری) تیزهوش با افزایش پایه تحصیلی، گسترده‌تر و متنوع‌تر می‌شود.
 - ۹- «تحول اخلاقی» در طفولیت و نوجوانی، ارتباطی به هوش ندارد.
 - ۱۰- بر خلاف تصور عموم مردم، «رشد اخلاقی» تیزهوشان در مقایسه با همسالان عادی، پیش‌رس‌تر نیست و از لحاظ اخلاقی بر

همسالان عادی، برتری و فضیلت ندارند.

۱۱- ممکن است برخی از «معلمان» ویژه تیزهوشان از کفایت در قضاوت‌های اخلاقی برخوردار نباشند و نیاز به پرورش مقتضی داشته باشند.

۱۲- گرچه تیزهوشان از برخی مشکلات هیجانی و اجتماعی رنج می‌برند معهداً در «سازگاری اجتماعی» بر افراد عادی برتری نشان می‌دهند.

۱۳- «مسائل عاطفی» خاصی، تیزهوشان را آزرده می‌سازد که مشاوره و راهنمایی ویژه می‌تواند پاسخگو باشد.

۱۴- «فرهنگ» و وضعیت اجتماعی - اقتصادی در علائق، نگرشها، احساسات و موضع‌گیریهای افراد تیزهوش مؤثر است.

۱۵- اثر فرهنگ در بازخورد تیزهوش، بیش از تأثیر ویژگیهای جسمانی و شخصیتی در آن است.

۱۶- در طبقات اجتماعی-اقتصادی پایین، شیوع کشمکشهای خانوادگی و ضعف تحصیلی تیزهوشان بیشتر است.

۱۷- وضعیت اجتماعی و محیطی بر حرمت خود(عزت نفس) اجتماعی دختران تیزهوش تأثیر می‌گذارد.

بحث

هرگاه سن را بعنوان شاخصی از رشد و تحول روان‌شناختی بپذیریم و نیز طی مراحل تحول شناختی را در میان افراد تیزهوش، سریعتر بدانیم، ویژگی‌های سنی خاص در میان تیزهوشان، گویای شرایط تربیتی مقتضی از لحاظ پایه تحصیلی است. یعنی پایه تحصیلی براساس سن تیزهوش، در مقایسه با افراد عادی، کیفیت متمایزی خواهد داشت و ضرورت‌های ویژه‌ای را اقتضاء می‌کند.

برتری تحولی مزبور، ظاهراً تحت تأثیر هوش می‌باشد اما تعدیل‌کنندگی بلوغ در این تأثیر، حاکی از آن است که این برتری از نیمه دوم و دوره دوم تحول شناختی، پرافراتر نمی‌گذارد و در دوران پس از بلوغ، سن و مراحل تحول، تأثیر مشابهی را بر افراد عادی و تیزهوش می‌گذارد.

تنوع بازخوردهای تیزهوش با افزایش سن بیشتر می‌شود. «حرمت خود» و «تصور از خود»، بویژه با تعالی سنی تقویت می‌گردند، معهداً نباید نقش محیط (از جمله مقتضات فرهنگی) را در تکوین تصور از خود تیزهوش نادیده گرفت. چه بسا تصور ناصحیح از خود، مبنایی برای توقعات غیر واقع‌بینانه و امتیاز طلبی اجتماعی شده مسائل و معضلات اخلاقی خاصی برای وی فراهم آورد. بویژه اگر استقلال‌شایستگی و تحول اخلاقی را از قابلیت هوشی به یاد داشته باشیم، ضرورت مشاوره و راهنمایی در اینجا به نهایت خود می‌رسد تا به ناسازگاریهای عاطفی، هیجانی، اخلاقی و اجتماعی پاسخ مناسب دهد.

هرگاه «تصور از خود» و «حرمت خود» استعداد‌های درخشان در دوره سوم تحول شناختی، با خدمات مشاوره و راهنمایی ویژه، در چارچوب واقع‌بینانه‌ای قرار نگیرد، بروز اختلالات هیجانی و عاطفی پیشرفت‌گرایی افراطی، احساس بیگانگی نسبت به همسالان، حساسیت در روابط اجتماعی با افراد عادی، رقابت‌های ناسالم و ناسازگاریهای گوناگون، اجتناب ناپذیر خواهد بود. سوء تفاهات معلمان، مربیان و مسئولین در قبال خصایص روانی نوجوانان تیزهوش، بویژه در دوره سوم تحول شناختی (سنین ۱۳ تا ۱۸) زمینه‌های ناسازگاریهای فوق و بالمآل گونه‌های مختلف ضعف تحصیلی و یادگیری را تشدید می‌نماید.

بازخوردهای استعداد‌های درخشان، تحت تأثیر مسلم عامل جنسیت نیز واقع می‌شود، معهداً این نکته شامل کلیه بازخوردها نمی‌گردد. برخی از بازخوردهای خانوادگی، خود سنجی در قدرت رهبری، و تصور از خود تحصیلی، مشمول تفاوت جنسی قرار نمی‌گیرد و در دو جنس، ظاهراً نمود مشابهی دارد. بنظر می‌رسد که این امور بیش از جنسیت، از تحول و هوش تأثیر می‌پذیرند. جز موارد سه گانه فوق تفاوت جنسی آشکاری در غالب بازخوردها، مشهود است و این تفاوت تحت تأثیر فرهنگ و وضعیت اقتصادی-اجتماعی واقع نمی‌شود.

اساس بازخوردهای ویژه تیزهوشان مذکور را علائق و نظام ارزشی نظری - سیاسی - اقتصادی، تشکیل می‌دهد. بنظر می‌رسد

که نظام ارزشی نظری، قالبی برای تفکر انتزاعی، قابلیت تجسم ذهنی، توانایی ریاضی، گرایش به علم محض و فعالیت های علمی و خود سنجی و خود پذیرى محسوب می شود. بدین معنا که آنها بسادگی می توانند خود را با تفکر و دید نقد و کاملاً انتزاعی مورد ارزشیابی و آزمون قرار دهند و واقعیت های مربوط به خویش را به سادگی بپذیرند.

اما تعارض تیزهوشان مذکور در قبال مسائل شغلی همسران، می تواند به شیء گرایى، تفکر انتزاعی، و نظام ارزشی نظری - سیاسی - اقتصادی مربوط شود. یعنی شغل خانه داری برای شریک زندگی، بعنوان حرفه ای کامل و مستقل مورد تردید قرار می گیرد و تعامل خانوادگی مطلوب، گرم و صمیمانه که ثمره وجود یک مادر و همسر حرفه ای است، تحت الشعاع نظام ارزشی شیء گرایى واقع می شود. این دیدگاه نیاز آنها را به مشاوره و روان درمانی خانوادگی در دوران پس از ازدواج و تشکیل خانواده افزایش می دهد.

از سوی دیگر حاکمیت نظام ارزشی مذهبی- اجتماعی- هنری در میان تیزهوشان مؤنث، دلالت بر شخصیت گرایى و تفکر اندیشه عینی دارد. حتی علم و مطالعه نیز تحت الشعاع برتری تعامل و روابط اجتماعی قرار می گیرد لذا غالباً فعالیت های علمی، یادگیری و تحصیلی، بعنوان یک سرگرمی ویژه نمود می یابند. نتیجه دیگر بینش مزبور این است که تیزهوشان مؤنث در قبال شریک زندگی خویش تردیدی به خود راه نمی دهند. برجستگی مسلم شخصیت گرایى زمینه نفوذ به حوزه علائق و مشاغل مردانه را مهیا ساخته حتی تعارضی مسئله زا در نقش جنسی پدید می آورد. گویا این نفوذ با حرمت خود تیزهوش مؤنث بستگی دارد لذا قابلیت ریاضی بعنوان شاخصی از جنس مذکر، می تواند موجب تقویت حرمت خود دختران تیزهوش گردد.

نقش انفعالی جنس مؤنث در حرمت خود بگونه ای است که وضعیت اجتماعی و فرهنگی نیز به ویژه در حرمت خود اجتماعی وی، تأثیرشگرفی می نهد. لذا به نظر می رسد که تأثیر فرهنگ و ویژگیهای اجتماعی- اقتصادی در بازخورد تیزهوشان مؤنث بیشتر باشد. اما بهر منوال نمی توان خصوصیات یک نظام فرهنگی مؤثر و شکوفا برای توانمندیهای استعداد‌های درخشان را نادیده انگاشت.

اعتقاد و باور به نظم و ترتیب جهانی، حاکمیت اصول عقلایی، ارجحیت اعتبار فردی، اعتقاد به اکتسابی بودن پیشرفت و امکان موفقیت و پیروزی برای هر کس و سرانجام وجود نقش های مکمل در ساختار خانواده، زمینه های فرهنگی برای شکوفایی و رشد استعداد‌های درخشان را فراهم می آورد.

استنباط

از مجموع یافته ها، استنتاجها و مباحث پیشین، می توان استنباطهایی انجام داد که در پنج حوزه نظام اداری، آموزش (نقش معلم)، مشاوره، خانواده و جامعه کاربردهای سودمندی خواهند داشت.

الف - نظام اداری

نظام آموزش و پرورش ویژه برای استعداد‌های درخشان، امری الزامی و ضروری است. تفکیک و جداسازی می تواند یکی از اساسی ترین خط مشی ها برای نظام مزبور محسوب شود.

مقطع ابتدایی برای آموزش ویژه تیزهوشان می تواند از سنین پیش از ۷ سالگی آغاز شود. ویژگیهای نگرشی و توانمندیهای ذهنی آنها، امکان فراگیری محتویات پایه تحصیلی عالیتر را فراهم می سازد.

ب - معلم

معلمان لازم است خود را با قابلیت های شناختی و ذهنی فوق العاده آنها هماهنگ سازند. ممکن است کودکی از نبوغ سرشار برخوردار باشد اما در روند تحول شناختی، نارسایی بروز دهد و ظاهراً عقب مانده تر از همسالان عادی به نظر برسد. این نارسایی از نبوغ وی چیزی نمی کاهد. موارد مزبور بسیار استثنایی و نادر هستند، اما وجود دارند.

برای معلمان پایه های تحصیلی مقطع دبیرستان ضروری است که آمادگیهای لازم را برای مواجهه با نظریات و دیدگاههای متنوع، پراکنده و گوناگون استعداد های درخشان کسب نمایند. در این شرایط معلمانی که از نگرشهای پویا، گسترده و واگرا

همراه با وسعت مشرب و شرح صدر برخوردار باشند، موفق‌تر خواهند بود. آنها باید بتوانند با اشراف و وقوف بر نگرشهای گوناگون و گسترده‌ای که از سوی تیزهوشان ارائه می‌شود نیازهای روانی آنها را تأمین سازند. ذهن بسته، موضع‌گیری خصمانه، تعصب و غرض‌ورزی معلم، می‌تواند حتی سایر امتیازات شخصی، تجربی و علمی وی را تحت الشعاع قرار داده دچار تنگنای شغلی‌اش سازد.

ج - مشاوره

نارساییهای هیجانی و اجتماعی تیزهوشان به اندازه‌ای نیست که قابل علاج نباشد بلکه نیاز به خدمات مشاوره‌ای ویژه‌ای دارد که باید براساس توجه به نگرش‌ها، علائق، موضع‌گیریها و نظام ارزشی خاص آنها انجام گیرد. برخی از مسائل روانی و موارد ضعف تحصیلی تیزهوشان، ریشه در طبقه اجتماعی - اقتصادی و یا ساختار خانوادگی دارد. این امر بویژه در سنین ۱۲ تا ۱۴ بروز بیشتری می‌یابد. اثرات محیط نامساعد که نخستین آسیب را بر تصور و نگرش تیزهوش نسبت به خودش وارد می‌آورد، اعتماد به نفس و حرمت خود وی را تضعیف نموده منجر به ضعف تحصیلی می‌گردد. در شرایط مزبور، بررسی وضعیت محیط خانوادگی، آموزشی و اجتماعی - اقتصادی نوجوانان محور خدمات مشاوره، راهنمایی، روان‌درمانی و مددکاری اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

د - خانواده

والدین چگونه با عقائد فرزندان تیزهوش خود برخورد کنند؟

یکی از زمینه‌های ناسازگارها و کشمکشهای خانوادگی استعداد‌های درخشان، ناشی از فقدان درک و تحمل آراء و نگرشهای متنوع و نوآورانه آنها از سوی خانواده و بویژه والدین است. فضای اعتقادی خانواده در قبال نظریات و دیدگاههای جدید و نگران‌کننده عضو تیزهوش خود، بردباری لازم را نداشته حتی به شدت آنها را سرکوب می‌نماید و در قبال آن، موضع‌گیری خصمانه‌ای بروز می‌دهد.

فرد تیزهوش در این هنگام اگر به عصیان نپردازد، تبدیل به عضو فیزیکی از خانواده شده و مرجعیت و اعتباری برای خانواده قائل نخواهد بود و طبعاً روی به مراجع خارج از خانواده (نظیر همسال و...) می‌آورد.

احترام و تکریم و توجه ویژه به ارزشها، نگرشها و گرایشهای تیزهوشان در سلامت و بهداشت روانی آنها تأثیر شگرفی خواهد داشت. آنها نیاز دارند که از سوی اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر مورد تکریم و گرامیداشت قرار گیرند. در پرتو چنین توجهی است که قابلیت‌های موهوبی خویش را متجلی می‌سازند و درخششهای پر شکوهی در جامعه خویش پدید می‌آورند. هرگونه تعامل و برخوردی در محیط خانواده باید بگونه‌ای انجام پذیرد که به عزت نفس تیزهوشان به ویژه در سنین بلوغ، آسیبی وارد نیابد. محیط خانوادگی می‌تواند با ایجاد تصور و دیدگاه صحیح از خود در کودک تیزهوش، موجب پیشرفت تحصیلی و ترقی شغلی وی گردد و از سوی دیگر قادر است با شکل دادن نگرش نادرست از توانمندیها و استعداد‌های او، اعتماد به نفس و حرمت خود وی را دچار خدشه سازد. ضعف تحصیلی و معضلات روانی - اجتماعی، پیامد طبیعی چنین وضعیتی خواهند بود.

برخی زمینه‌های خانوادگی می‌توانند در شکوفایی و پرورش تیزهوشی، مؤثر باشند. رعایت موارد زیر نقش شایانی در ایجاد زمینه‌های مزبور خواهد داشت:

۱- اعتقاد به وجود نظم در دستگاه آفرینش جهان هستی و پدیده‌ها و اجزاء آن را در میان کودکان و نوجوانان رشد دهید و تقویت نمایید.

۲- شرایطی را فراهم سازید که فرزندان به مؤثر بودن نقش خود در ساختار خانواده واقف شوند.

۳- به فرزندان، مسئولیتهایی مشخص و روشن در خانواده اعطاء کنید و در این مورد علائق و دیدگاه‌های آنها را نیز در نظر

بگیرید.

- ۴- به آنها بیاموزید که موفقیت و کامیابی امری قابل حصول است و آنها می‌توانند در زندگی تحصیلی، شغلی و اجتماعی به موفقیت دست یابند.
- ۵- اعتماد به نفس آنها را در حضور سایرین (اعم از همسالان و یا بزرگسالان) ترغیب و تقویت کنید.
- ۶- از خطاهای آنها چشم‌پوشی نموده، درخششها و موفقیت‌های آنها را (حتی اگر اندک باشد) برجسته نموده تشویق نمایید.
- ۷- بر مؤثر بودن نقش فردی آنها در اجتماع خود و جامعه بشری، تأکید کنید.
- ۸- این اعتقاد را رشد دهید که بر جهان هستی و ساختار کلی آن، اصول و قوانین مسلم و ثابتی حکمفرماست و موفقیت فردی آنها در گرو شناخت و رعایت این قوانین است.
- ۹- عزت نفس فرزندان را تقویت کنید و به عقاید و آراء آنها احترام بگذارید.
- ۱۰- از استهزاء و تمسخر و تحقیر نظریات و دیدگاه‌های جدید و غیر عادی آنها اجتناب ورزید.
- ۱۱- در پرورش اعتقادی آنها از پند و اندرز صرف خودداری کرده بیشتر با گفتگوهای مستدل، منطقی و عقلانی اقدام نمایید.
- ۱۲- حتی المقدور به سؤالات گوناگون و عمیق آنها پاسخ داده یا به مراجع معتبری ارجاع دهید.

ه- جامعه

جامعه چه نقشی را می‌تواند در پرورش عقاید و استعداد‌های درخشان ایفاء نماید؟

این تصور حاکم بر افکار عمومی باید اصلاح شود که تیزهوش به مقتضای درخشش‌های ذاتی و قابلیت‌های موهوبی خود، از فضایل اخلاقی لازم برخوردار بوده نیازی به پرورش اخلاقی ویژه ندارد. باید متذکر شد که بسیاری از بزهکاری‌های اجتماعی و اعمال خلاف قانون به طور مستقیم یا غیر مستقیم از سوی برخی افراد نخبه و هوشمند، نشأت می‌یابد. گروه‌های تبهکار در سطح کلان را تیزهوشانی اداره می‌کنند که تحت پرورش اخلاقی لازم قرار نگرفته‌اند.

اصلاحات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌تواند موجب تکوین و شکل‌گیری نگرش‌های مثبت در میان تیزهوشان شود. یک فضای اجتماعی-اقتصادی سالم و مطلوب قادر خواهند بود که بهداشت روانی-اجتماعی تیزهوشان به ویژه دختران را تحقق بخشد. یعنی به نظر می‌رسد موقعیت اجتماعی-اقتصادی بر دختران تیزهوش بیش از پسران تأثیری گذارد. هویت و نقش شغلی دختران تیزهوش یکی از نقاط اساسی است که می‌تواند از سوی شرایط اجتماعی شکل گیرد.

جامعه بایستی در قبال مشاغل زنان تیزهوش و نخبه، استراتژی و خط مشی خود را به روشنی مشخص نماید. اگر اشتغال خارج از خانه برای آنها به منزله یک ضرورت اجتماعی مطرح می‌شود باید تمهیدات ضروری برای شکوفایی، رشد و درخشش زنان نخبه در احراز مشاغل مردانه فراهم گردد و چنانچه به حیاتی بودن حرفه مادری و همسری در محیط خانواده و شالوده جامعه، بعنوان یک شغل رسمی و هویت اصیل اجتماعی توجه می‌شود، با اقدامات فرهنگی و تعالیم ارزشی ویژه، زنان تیزهوش و نخبه متقاعد و توجیه گردند. رها ساختن دختران تیزهوش در این تعارض، نقشی که به هویت جنسی و اجتماعی آنها ارتباط دارد می‌تواند منجر به آزردهی‌های روانی و مسائل هیجانی و عاطفی شود.

هشدار اجتماعی

اگر جامعه به نظام بازخورد «نگرشها، گرایشها و موضع‌گیری‌های» ویژه استعداد‌های درخشان توجهی ننماید، نمی‌تواند از قابلیت‌ها و نیروهای موهوبی آنها حتی کمترین بهره‌ای بگیرد. لذا بازخورد‌های تیزهوشان نقشی حیاتی و اساسی در ساختار وجودی هر جامعه‌ای ایفا می‌نماید. لازم است این بازخوردها را به خوبی شناخت و حتی در صورت امکان، شالوده برخی از ساختارهای اجتماعی را بر مبنای نظام ارزشی استعداد‌های درخشان پی‌ریزی نموده، گسترش داد. یعنی بازخوردهای افراد تیزهوش یکی از غنی‌ترین منابع ملی هر کشوری به شمار می‌آید بلکه بهره‌برداری از سایر منابع، مرهون توجه و حمایت ویژه نسبت به بازخوردهای استعداد‌های درخشان است.

پیشنهادها

- ۱- به بازخورد (نگرش، احساس و آمادگی رفتاری) تیزهوش به ویژه تصور از خود و حرمت خود وی به عنوان تعیین کننده پیشرفت تحصیلی و سازگاری محیطی وی توجه نمایید.
- ۲- ضروری است که هر پایه تحصیلی اختصاصی برای استعداد‌های درخشان (بوژه در مقاطع پیش از دبیرستان) واجد کیفیات آموزشی و تربیتی متمایزی از نظام عادی باشد.
- ۳- معلمان، مربیان و مشاوران به تنوع بازخوردهای خاص تیزهوشان در مقاطع راهنمایی و دبیرستان، توجه ویژه‌ای مبذول دارند.
- ۴- «تصور از خود» و «حرمت خود» استعداد‌های درخشان (بوژه در مقطع سنی ۱۳-۱۸) باید مشمول اقدامات مشاوره و راهنمایی خاصی قرار گیرد.
- ۵- اقدامات آموزشی و تربیتی از لحاظ تأمین منابع انسانی، مواد درسی، فضا و امکانات آموزشی با بازخوردهای اختصاصی هر جنس، انطباق داشته باشد.
- ۶- مربیان، معلمان و مشاوران دختران تیزهوش به روابط اجتماعی و ارتباطات کلامی فوق‌العاده گرم و صمیمانه و محبت‌آمیز اولویت دهند.
- ۷- مربیان، معلمان و مشاوران پسران تیزهوش علاوه بر روابط عاطفی مثبت، از علائق و نگرشهای انتزاعی، مجرد و نظری برخوردار باشند.
- ۸- از لحاظ فرهنگی، گسترش و تقویت باورهای نظم‌مدار، عقلایی، پیشرفت‌گرا و فردی‌نگر، سبب شکوفایی استعداد‌های درخشان جامعه خواهد شد.



یادداشتها

- | | | |
|--|---|-----------------------|
| ۱- Carter & Ormrod | ۲- Pierson-Harris Children's Self-Concept Scale | ۵- Weber |
| ۲- Kohlberg | ۴- Colby | ۸- Cullinan & Ludwig |
| ۶- Smith | ۷- Terman | ۱۱- Powell & Manaster |
| ۹- Altman | ۱۰- Whithmor | ۱۴- Strodtebech |
| ۱۲- Frierson | ۱۳- Karnes | ۱۷- Taylor |
| ۱۵- Social Self-Steem | ۱۶- Mills | ۲۰- Warren & Herst |
| ۱۸- Allport-Vernon-Lindzey Study of Values | ۱۹- fox & Dunham | ۲۳- Johns Hopkins |
| ۲۱- Southern & Plant | ۲۲- Mackinnon | ۲۶- Peiser |
| ۲۴- Scholastic Attitude Test-Mathematical | ۲۵- Pasternak | |
| ۲۷- Self-Concept | ۲۸- Self-Acceptance | |

منابع

- ۲۹- گالگر، جیمز، (۱۳۶۷). آموزش کودکان تیزهوش، ترجمه: مهدی زاده، مجید و رضوانی، احمد - آستان قدس. صفحات ۴۸۹ تا ۴۷۱ و ۳۶۱، ۳۵۶.
- ۳۰- Agassi, Joseph, (Tel-Aviv U, Ramat-Aviv, Israel) The myth of the young genius. Special Issue: Creativity, education, and thought, *Interchange*, ۱۹۸۵, Vol ۱۶(۱), ۵۱-۶۰.
- ۳۱- Anderson, Margaret A.; Tollefson, Nona A. & Gilbert, Edwyna C. (U Kansas, Lawrence) Giftedness and reading: A cross-sectional view of differences in reading attitudes and behaviors. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۵ (Fal), Vol ۲۹(۴), ۱۸۶-۱۸۹.
- ۳۲- Bickel, Frank, U Kentucky) A comparison of gifted and randomly selected children's perceptions of music duration. *Bulletin of the Council for Research in Music Education*, ۱۹۸۵ (Fab), No ۸۴, ۱۴-۱۹.
- ۳۳- Carter, Kyle R. (U northern Colorado) Cognitive development of intellectually gifted: A Piagetian perspective. *Reoper Review*: ۱۹۸۵ (fab), Vol ۷(۳), ۱۸۰-۱۸۴.
- ۳۴- Chauvin, Jane C. & Karnes, Franc. A. (St Mary's Dominican Coll) Perceptions of leadership characteristics by gifted elementary students. *Reoper Review*, ۱۹۸۴ (Apr), Vol ۶(۴), ۲۳۸-۲۴۰.
- ۳۵- Colangelo, Nicholas & Kelly, Kevin R. (U Iows, Div of Counselor Education. Iowa City) A Study of student. parent and teacher attitudes toward gifted programs and gifted students. *Gifted Child Quarterly*, ۱۹۸۳ (Sum), Vol ۲۷(۳), ۱۰۷-۱۱۰.
- ۳۶- Coleman, J. Michael & Fults, Betty A. (U Texas, Dallas) Self-concept and the Gifted child. *Reoper Review*, ۱۹۸۳ (Apr-May), Vol ۵(۴), ۴۴-۴۷.
- ۳۷- Dolny, Candice. (David & Mary Thompson Collegiata, Scarborough, Canada) University of Toronto Schools "gifted students" career and family

- plans. *Roeper Review*, ۱۹۸۵(feb), vol ۷(۳), ۱۶۰-۱۶۲.
- ۳۸- Harty, Harold & Beall, Dwight, (Indiana U, science Education Program Area, Bloomington) Attitudes toward science of gifted and nongifted fifth graders. *Journal of Research in Science Teaching* ۱۹۸۴ (May), Vol ۲۱(۵), ۴۸۳-۴۸۸.
۳۹. Hollinger, Constance L.(Cleveland State U) The stability of self perceptions of instrumental and expressive traits and social self esteem among gifted and talented female adolescents. *Journal for the Education of the gifted*, ۱۹۸۵ (Win), Vol ۸(۲), ۱۰۷-۱۲۵.
- ۴۰- Hung, Yu.yih/ Psychological characters among the mentally retarded, and gifted students in junior high schools .(Chin) *Bulletin of Educational Psychology*, ۱۹۸۲ (Jun), Vol ۱۵, ۱۶۷-۱۹۳.
- ۴۱- Kaplan, Leslie.(Coll of William & Mary) Mistakes gifted young people too often make. *Reoper Review*. ۱۹۸۳ (Nov), Vol ۶(۲), ۷۳-۷۷.
- ۴۲- Kitano, Margie & Kirby, Darrell. *Gifted Education*, ۱۹۸۶، ۴۸، ۶۰، ۶۲، ۷۹، ۲۲۲، ۲۲۶-۷
- ۴۳-McEwin, C > Kenneth & Cross, Arthur H.(Appalachiam State U)A comparative study of perceived victimization, perceived anonymity, self-esteem, and preferred teacher characteristics of gifted and talented and non-Labeled early adolescents. *Journal of Early Adolescence*, ۱۹۸۲(Fal), Vol ۲(۳), ۲۴۷-۲۵۴.
- ۴۴- Miller, Maurice & Richey, Dean.(Indiana State U.Terre Haute) Age/grade differences in gifted children's attitudes toward the handicapped. *Psychological. Reports*, ۱۹۸۵(Oct), Vol ۵۷(۲), ۳۹۰.
- ۴۵- Solano, Cecilia H.(wake Forest U) Self-concept in mathematically gifted adolescents. *Journal of General Psychology*, ۱۹۸۳(Jan), Vol ۱۰۸(۱), ۳۳-۴۲.
- ۴۶- Stanly, Julian C. & George, William & Solano , Cecilia. *The Gifted & the Creative*, ۱۹۷۷-p.۱۲۰-۱۲۳.
- ۴۷- Telford , Charles & Sawrey, James. *The Exceptional Individual* , ۱۹۷۷, p.۱۷۱-۱۷۲.



